



## آثار علامه جعفری به راحتی فهم نمی شود / ظلم بزرگ به علامه

عبدالله نصری در نشست رونمایی از کتاب «آری گویی به زندگی» گفت: ارتباط با آثار علامه دشوار است و یکی از جهاتی که آثار او مورد توجه قرار نگرفته این است که آثار او به راحتی فهم نمی شود.

عبدالله نصری در نشست رونمایی از کتاب «آری گویی به زندگی» گفت: ارتباط با آثار علامه دشوار است و یکی از جهاتی که آثار او مورد توجه قرار نگرفته این است که آثار او به راحتی فهم نمی شود.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست رونمایی از کتاب «آری گویی به زندگی»؛ معنای زندگی از دیدگاه علامه جعفری و متفکران غرب با حضور مهدی گلشنی، قاسم پور حسن و عبدالله نصری، نویسنده کتاب در کتابخانه علامه جعفری برگزار شد.

در ابتدای نشست قاسم پورحسن به سخنرانی پرداخت. وی گفت: این کتاب پیشینه ای طولانی دارد و من شاهد تلاش های دکتر نصری برای تهیه این کتاب بوده ام. برخی تصور می کنند نگاه اسلامی و دینی حرفی برای زندگی ندارد و این کتاب از این جهت بسیار ارزشمند است. دیدگاهی که ما در ایران نسبت به زندگی داریم فهم غربی است و احتمالاً دیدگاهی از شوپنهاور به این سمت داریم. قهرمان این سپهر را نیچه می دانند به واسطه رویکرد نیپیلیسم که در غرب مطرح شد. نیچه اولین کسی بود که در راستای آری گویی به زندگی سخن گفت و دیدگاه هایی را در مقابل نگاه سلبی شوپنهاور مطرح کرد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه عنوان کرد: علامه جعفری معتقد بود ما مرتبه ای بالاتر از حیات معقول داریم. علامه طباطبایی نیز شبیه این بحث را دارند. فهم غربی می گوید زندگی و انسان اصالت ندارند. اما دیدگاه علامه جعفری در این زمینه ایجابی است و فهمی بنیادین از انسان و زندگی است. علامه جعفری نسبت هایی را میان انسان با خودش، با مبدأ، هستی و خدا مطرح می کند. فکر می کنم دکتر نصری موفق شدند در کتاب تفاوت های اساسی و بنیادی ما را بیان کنند.

وی افزود: پیشنهاد می کنم دکتر نصری در چاپ دوم به گونه شناسی آراء معنای زندگی بپردازند. دیدگاه غایت محورانه، طبیعت محورانه و انسان محورانه را در این گونه شناسی مد نظر قرار دهند و دیدگاه علامه را نیز تشریح کنند. ایشان چند اثر دیگر هم دارند که با اهمیت است. مثل کتاب «در جستجوی حکمت» که درباره مرحوم حائری نوشته اند. گاهی می گوئیم صلح از این جهت خوب است که جنگ نباشد. این دیدگاه غلط است و علامه جعفری در این باره صحبت کرده اند. این که تصور کنیم اندیشیدن به معنای زندگی از این جهت لازم است که دچار نیپیلیسم و نگاه غربی به زندگی نشویم اشتباه است.

پور حسن در ادامه گفت: می بینم که خیلی از اساتید، کتاب فلسفه زندگی علامه را نخوانده اند و نمی دانند که ایشان در این باره دیدگاه های مهمی دارند. دکتر نصری تسلط فهمی نسبت به آراء علامه دارند. این کتاب ایشان دوباره مطرح کردن و جمع آوری آراء علامه نیست و پاسخ به خیلی از پرسش ها در این کتاب وجود دارد. یک پرسش که در این بین اهمیت دارد این است که متفکران غربی در یک بافتار متفاوتی زیسته اند. آیا می توانیم دیدگاه هایمان را با آن ها مقایسه کنیم؟ پرسش فلسفه تطبیقی این است که آیا می خواهیم صرفاً شباهت ها و تفاوت ها را بیان کنیم؟ خیر بلکه با فهم و خوانشی که از مبادی فکری آن ها می کنیم، می خواهیم بنیادهای آراء مختلف را پیدا کنیم. اگر بخش پایانی این کتاب که خیلی اندک است گسترده تر شود این کتاب می تواند کتابی مهم در حوزه فلسفه تطبیقی باشد.

وی در انتها اظهار داشت: با پرسش هایی که در آن سوی دنیا شکل گرفته می توانیم آراء متفکران خود را بازخوانی کنیم. یعنی فیلسوفان مان را زنده وار بخوانیم. ما در حال حاضر متوجه مشکلات اجتماعی مان نیستیم. چه در صدا و سیما و چه در دانشگاه ها دیدگاه های متفکران مان را بازخوانی نمی کنیم و تنها بر روی متفکران غربی تکیه می کنیم.

در ادامه مهدی گلشنی عنوان کرد: به عقیده من هر کاری در مورد علامه انجام شود کم است. مقام معظم رهبری نیز در دیداری که با ایشان داشتیم فرمودند درباره علامه کوتاهی شده است. علامه جعفری ویژگی های کم یابی داشتند و کارهایی کرده اند که در زمان خود نوآوری بوده است. مثلاً هشدارهای ایشان به حوزه علمیه قم مبنی بر توجه به

مقتضیات زمان خیلی آینده نگرانه و جامع نگرانه بود. حوزه علمیه ما در حال حاضر مثل علامه جعفری مثل شهید صدر و مثل شهید مطهری متناسب با زمان فعالیت نمی کند. این کتاب دکتر نصری هم از این جهت مهم است. علامه جعفری در نجف اعلام کردند که علوم جدید باید به فلسفه و حوزه علمیه وارد شود. علامه جعفری زمانی تألیف کتاب «ارتباط انسان و جهان» را شروع کردند که در جهان اسلام کسی به این مسأله فکر نمی کرد. در آن زمان در جهان اسلام همه متأثر از پوزیتیویسم و مارکسیسم بودند.

استاد دانشگاه صنعتی شریف در ادامه افزود: چند سال پیش در سمیناری در پاکستان بودم که درباره سلول های بنیادی بود. شخصی آن جا درباره مناقشات سلول های بنیادی با دین مسیحیت سخنرانی کرد. اما درباره دیدگاه اسلام نسبت به این زمینه کسی را نداریم که کار کرده باشد. علامه جعفری وارد بحث حاکم بودن شانس بر جهان که در فیزیک مطرح است نیز شدند. یکی از تذکرات مهم علامه جعفری این بود که اصول فلسفی و متافیزیکی سوار بر علوم اند و علم فقط تجربی نیست. ایشان مباحثات علمی زیادی با دکتر حسابی داشتند.

وی در ادامه عنوان کرد: از راسل پرسشی مطرح شد پیرامون تعریف پوزیتیویسم و راسل گفت: پوزیتیویسم یعنی دنیا همین چیزهایی است که می بینیم. سید جمال در بحثی که با ارنست رنان داشتند وقتی رنان گفت من پوزیتیویسم هستم متوجه نشد که چه جوابی باید بدهد. علامه جعفری به خطر پوزیتیویسم توجه داشت. یکی از اشکالات دیگر ما این است که به تحولات حدود ۳۰ سال اخیر غرب درباره علم توجه نداریم. در این دوران دیدگاه های فلسفی و متافیزیکی شدیداً اهمیت یافته است.

مهدی گلشنی سپس اظهار داشت: زمانی که ۵۰ سال پیش من در آمریکا بودم کسی جرأت نداشت در دانشگاه درباره متافیزیک و فلسفه در علوم تجربی صحبت کند. امروز در میان برخی دانشمندان برجسته گفته می شود که جواب تمامی سوالات در علم پیدا نمی شود. پوپر از این دست اندیشمندان است. مثالی که این اندیشمندان می زنند این است: از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ برخی از این دانشمندان حتی می گویند پاسخ این سوال در دین است. علامه جعفری این نکته را گفته بود که پاسخ خیلی از سوالات در علم نیست و در این زمینه پش رو بود.

وی سپس گفت: علامه جعفری هدف زندگی را حیات معقول می دانستند. یعنی انسان بداند از کجا آمده، به کجا می رود، رسالتش چیست و در این جهان با برنامه ریزی و اختیار اهداف زندگی متعالی را دنبال کند. علامه جعفری علم و دین و فلسفه را ارکان حیات معقول می دانستند. یاد می آید در همین خانه در دیدار علامه جعفری و پروفیسور عبدالسلام مترجم بودم. علامه جعفری از پروفیسور عبدالسلام پرسید: نظر شما درباره اصل عدم قطعیت چیست؟ پروفیسور عبدالسلام پاسخ داد: من تابع تجربه هستم. من گفتم تئوری وحدت بخشی نیروها از کدام تجربه به دست می آید؟ پروفیسور عبدالسلام سکوت کرد و پاسخی نداشت.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سپس گفت: در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی به آقای روحانی گفتم: جامعه ما نه غربی است، نه شرقی و نه اسلامی. چون غرب و شرق در زمینه های متعدد از ما جلوتر اند و اسلامی هم نیست به این استناد که خبرنگار آمریکایی گفت: تهران آمریکایی ترین شهر است که تاکنون دیده ام. محیط فرهنگی ما خراب است و باید در این زمینه کار کنیم. نسل جوان ما اصلاً نمی داند زندگی چیست. کتاب دکتر نصری کتاب خوبی در راستای این هدف است. در این کتاب دکتر نصری دیدگاه های شوپنهاور، نیچه، آلبر کامو و ... را مطرح کرده اند و دیدگاه علامه را نیز آورده اند. در این کتاب راه های گریز از پوچ گرایی، عوامل پوچ گرایی، ویژگی های زندگی معنا دار و ... مورد بحث قرار گرفته است.

وی در انتها عنوان کرد: یکی از فیزیک دانانی که به پدر بزرگ کیهان شناسی لقب دارد به من می گفت در ۵۰ سالگی به خدا رسیدم. چون دیدم نمی توانم بدون خدا زندگی کنم. این سوال که هدف زندگی چیست مرا به فلسفه رهنمون شد. من نگران اخلاق نیز بودم اما هرگز راه شوپنهاور، نیچه یا اگزیستانسیالیسم را در این زمینه مناسب نمی دیدم. پوچ گرایی به دیوانگی می انجامد. من تحت تأثیر اخلاق نسبی قرار نگرفتم. فکر می کنم اخلاق مطلق باشد و این با در نظر گرفتن خدا و ماوراء طبیعه ممکن است.

در ادامه نشست عبدالله نصری نویسنده کتاب به سخنرانی پرداخت. وی گفت: این جلسه به خاطر علامه جعفری اهمیت دارد و صاحب این اثر در حقیقت ایشان است. من در جوانی با حضوری که در کلاس های علامه پیدا کردم دیدم اساساً روش ایشان متفاوت است و متن محور نبودند. یکی از دروس ایشان معنای زندگی بود. درست در زمانی که من و فضای جامعه آن زمان با دیدگاه های کامو و دیگران در این زمینه درگیر بودیم. در همین راستا کتاب «فلسفه آفرینش» را با اشاره به اندیشه های علامه جعفری نوشتم. نوبت بعد در جلسه دفاع رساله دکتری در قم درباره

معنای زندگی استاد داور بودم. با دیدن آن رساله و منابع آن اگر بگویم آتش گرفتم دروغ نگفته ام. چون فردی تحصیل کرده حوزه علمیه مطالب مختلفی از منابع مختلفی آورده بود اما اصلاً به سراغ علامه نرفته بود.

این استاد دانشگاه در ادامه عنوان کرد: امروز متأسفانه در دانشگاه هایمان جرأت نداریم بگویم که مثلاً بالای چشم نیچه و متفکران غربی ابرویی نیز وجود دارد. هم حوزه و هم دانشگاه ما با نپرداختن به علامه جعفری ظلم بزرگی به او می کنند. علامه به ما آموخت از هیچ کس قدیس نسازیم. وقتی از ایشان درباره موضوعی نظر خواستم ایشان گفتند: نگویید نظرت چیست. بگویند دلیل چیست. نکاتی از این دست درباره ایشان فراوان است. ایشان می گفتند در عالم علم و اندیشه هیچ گاه کسی را خاتم خطاب نکنید و همچنین به دنبال مرید و مرادی نباشید.

وی افزود: نباید بگویم فلسفه اسلامی با ملاصدرا به غایت و تکامل خود رسیده است. این یک حرف بی ربط است. ویژگی دیگر علامه این بود که می خواست خود بیاندهد. همین امر باعث شد افق هایی را بگشاید که بزرگان ما کمتر به آن توجه کردند. مثل همین موضوع فلسفه زندگی. علامه جعفری نسبت به خیلی از علما برجستگی هایی دارد و از لحاظ پرداختن به این موضوع بی نظیر است. ۴ دهه است که از اسلامی شدن علوم صحبت می کنیم و آثار زیادی در حوزه مفهوم شناسی این بحث نوشته شده است. متأسفانه هنوز این بحث را ادامه می دهیم.

عبدالله نصری سپس اظهار داشت: مفهوم شناسی دیگر کافیه است. باید در زمینه هایی که مجموعه نظریات متعدد درباره آن وجود دارد وارد شویم. باید بدانیم هر نظریه دینی و غیر دینی اش چیست باید به مصداق ها بپردازیم و از اندیشه های متفکران خود این ها را استخراج کنیم. موضوعات جدید امروز را باید مورد توجه قرار دهیم و نظریات متفکران خود را با نظریات موجود مقایسه کنیم و ببینیم نظریه کدام یک پیش رو تر است. امکانات امروز ما در گذشته نبود. یاد نمی رود که علامه یادداشت های خود درباره مثنوی را خود در دست می گرفت و به چاپ خانه برای چاپ می برد.

وی در انتها گفت: یک بار به ایشان گفتم در آثار شما یک آشفتگی دیده می شود. ایشان گفتند من اندیشه هایی به ذهنم می رسد و باید آن ها را بنویسم وگرنه فراموش می کنم. در روزهای آخر عمرشان که می خواستند به سفر بروند و ما به دیدار ایشان رفته بودیم و به دلیل سرطان خیلی خوب نمی توانستند صحبت کنند، می دیدم که همان دغدغه های همیشگی را داشتند. درباره نهج البلاغه، پاسخ سوالات جوانان و ... یک بار یکی از دوستان از ایشان پرسیدند که یکی از کلمات نهج البلاغه بهتر نبود به گونه ای دیگر ترجمه شود؟ ایشان حال شان دگرگون شد و فرمودند هیچ کس به اندازه علی (ع) بی اهمیتی این دنیا را درک نکرده است. این دست نکات را نمی توان علم حصولی نامید. بلکه این ها شهود است. نکته دیگر این است که ارتباط با آثار علامه دشوار است و یکی از جهاتی که آثار او مورد توجه قرار نگرفته این است که آثار او به راحتی فهم نمی شود.

گزارش از محمد بحرینی